

اصول تربیت فرزند از دیدگاه حضرت امیر المومنین (ع) با استناد به نامه ۳۱ نهج

البلاغه

فریده حزابی زاده^۱

چکیده

نامه ۳۱ نهج البلاغه، بهترین نقشه راه دستگاه تعلیم و تربیت جامعه اسلامی است که باید قدر آن را دانست و از مطالب دسته‌بندی و پردازش‌شده آن به عنوان یک منشور تربیتی، نهایت استفاده را کرد. این نامه که از مشهورترین وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، مورد توجه شیعه و سنی قرار گرفته است؛ مجموعه سخنان ارزشمند پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و حضرات معصومین (علیهم السلام)، سبک خاصی از زندگی را ارائه می‌دهند که آدمی را ضمن آشنایی با حقیقت وجودی خویش، در مسیر صحیح زندگی و رسیدن به سعادت ابدی که همان قرب الهی است، قرار می‌دهد. در این میان سخنان ارزشمند و گوهر بار امیرالمؤمنین (علیه السلام) و به ویژه نامه آن حضرت به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی (علیه السلام) اصول و روش‌هایی را ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه‌ای تألیف شده است. در این مقاله ابتدا مفهوم تربیت و تربیت فرزند از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبیین شده سپس به استخراج اصول تربیتی پرداخته شده است این اصول عبارتند از: ثبات در تربیت فرزند، دغدغه تربیت فرزند، برقراری رابطه عاطفی با فرزند، جذب اعتماد والدین، استفاده از تجربه دیگران، عبرت‌آموزی، موعظه و الگودهی هستند.

کلید واژه: اصول ، تربیت ، تربیت فرزند ، دیدگاه امیر المومنین (ع) ، نامه ۳۱ نهج البلاغه .

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه شهرستان کارون.

byn202559@gmail.com

ORCID:

مقدمه

تعلیم و تربیت، یکی از مسائل مهم جوامع بشری است که همواره مورد توجه اندیشمندان و متفکران قرار گرفته است. اهمیت دوره جوانی و جایگاه ویژه جوانان، ضرورت تربیت آنان را دو چندان کرده است. در این راه بهره گرفتن از شیوه‌های تربیتی مربیان مطمئن، ضرورت دیگری است. مکتب حیات‌بخش اسلام، بهترین نوآوری را در شیوه‌ها و روش‌های تربیتی برای پیروان خود ارائه داده است که کشف و استفاده از آن‌ها، ره‌توشه بزرگی برای پیروان این مکتب به شمار می‌آید. از نظر الگویی نیز روش‌هایی را می‌توان در زندگی عملی و رفتار و گفتار پیشوایان دینی و مربیان بزرگ بشریت جستجو کرد؛ زیرا روش معصومان برگرفته از مکتب توحید و آموزه‌های دینی است و پیروی از کامل‌ترین رهنمودهای تربیتی را به همراه دارد. در میان سخنان گهربار ائمه که پس از گذشت قرن‌ها با مشقات فراوان به دست ما رسیده است، سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که توسط سید رضی در نهج‌البلاغه گرد آمده است و جایگاه عظیمی دارد. این سخنان، دریایی چنان ژرف از مسائل فکری، اخلاقی، علمی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و سایر ابعاد زندگی بشری است که «برادر قرآن» نام گرفته است. در میان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هایی که سه بخش این کتاب ماندگار را تشکیل می‌دهند، نامه‌ای گران‌سنگ از پدری در سن ۶۰ سالگی به فرزند رشیدش که در آن دوران ۳۰ سال داشته، وجود دارد و در حقیقت، منظومه‌ای فکری است که می‌تواند مبنای شخصیت علمی و عملی انسان‌ها را تشکیل دهد.

توجه به روش الگویی در منشور تربیتی فرزندان در همه زمان‌ها و مکان‌ها، ویژگی خاص این نامه است که آن را ممتاز ساخته است. بر این اساس، سن خاص مطرح نیست و بسیاری از رهنمودها را می‌توان به سنین کودکی و نوجوانی در کنار سن جوانی نیز تعمیم داد. گذشت زمان نه تنها آن رهنمودها را کهنه نکرده است؛ بلکه هر روز به صورتی زنده‌تر خود را نمایان ساخته است. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته اند از جمله مقاله: نقش والدین در تربیت فرزند با تاکید بر نامه ۳۱ نهج البلاغه، اثر: نویسندگان فهیمه جعفری و زهرا رضائیان، تابستان ۱۴۰۲، در این مقاله به شیوه‌های تربیتی و روش‌های تربیتی والدین پرداخته شده

است. در مقاله: امام علی (ع) و تربیت فرزند، اثر: علی همت بناری، اسفند ۱۳۷۸، در این مقاله به اهمیت تربیت فرزندان از دیدگاه امام علی (ع) و هدف تربیت فرزند پرداخته شده است.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اصول تربیت فرزند از دیدگاه امیر المومنین (ع) با استناد به نامه ۳۱ نهج البلاغه است. در این مقاله حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم کلیدی پژوهش و به بررسی اصول تربیت فرزند از دیدگاه امیر المومنین (ع) و نامه ۳۱ نهج البلاغه بپردازیم.

بر این اساس ما در این پژوهش درصدد: پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد که عبارتند از:

- ۱- تربیت فرزند از دیدگاه حضرت امیر المومنین (ع) چیست؟
- ۲- اصول و روش های تربیت فرزند با استناد به نامه ۳۱ نهج البلاغه چیست؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- تربیت

واژه تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است. (فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر ص ۲۱۷، طریحی، فخرین الدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۳۹) در لسان العرب، می نویسد: «ربا الشیء یربو ربواً و رباءً: ای زاد و نما» (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۴) هم چنین تربیت از کلمه «رب» به معنی مالک، سید و مربی اشتقاق می یابد و این گونه معنی می شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده. «ربّ ولده و الصبی یربّه رباً»، یعنی کودک خود را نیکو تربیت کرد و برای او به نحو شایسته انجام وظیفه نمود. (همان، ج ۱، ص ۳۹۹)

با در نظر گرفتن مفهوم لغوی، می توان تربیت را این گونه تعریف کرد: تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند. مقصود از تربیت کودک به طور خاص آن است که مربی، اعم از پدر، مادر، معلم و ...، طفل را در بُعد روحی و اخلاقی پرورش دهد، به گونه ای که جسم و جان و عقل و علم او افزایش یابد و در این باره به طوری انجام وظیفه نماید که آنچه به مصلحت اوست از امور مربوط به دین و دنیای وی، انجام پذیرد.

این معنی را می توان از بعضی آیات قرآن استفاده کرد، مانند آن که می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴) یعنی برای پدر و مادر خویش از درگاه خداوند در زمان حیاتشان طلب مغفرت و رحمت بنما، پاداش آنچه تو را در کودکی تربیت نموده اند. (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۴۱)

لفظ «رحمت» در آیه شریفه در برگیرنده همه کارهای پسندیده مربوط به دین و دنیا است و شخص از پروردگار خویش درخواست می‌نماید، آن‌گونه که پدر و مادر نسبت به کارهای پسندیده مرا تربیت کرده و به من احسان نمودند، آن‌ها را مشمول رحمت و مغفرت خویش قرار ده. (رازی، فخرالدین، تفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص ۳۲۷) از کلمه «ارْحَمَهُمَا» استفاده می‌شود پدر و مادر باید بر اساس محبت، فرزندان خود را تربیت نمایند. هم‌چنین از کلمه «رَبَّيْنِي» استفاده می‌شود انسان باید از مربیان خود تشکر و قدردانی کند. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۱)

۲-۱- تربیت در اصطلاح

در عبارات فقها اصطلاح خاصی در تعریف تربیت یافت نشد و مقصود آن‌ها از این واژه همان معنی لغوی است، بدان‌جهت به زنی که طفل را شیر می‌دهد و او را نظافت و نگهداری و در جهت مصلحت او انجام وظیفه می‌نماید «مربیه» می‌گویند. (محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۵۴، نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۲۳۱، خوانساری، سیداحمد، جامع المدارک، ج ۱، ص ۲۲۲) آنان حضانت را هم به معنی تربیت دانسته و در تعریف آن گفته‌اند: «حضانت: ولایت و اقتداری است برای تربیت نمودن طفل». (علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۱، شهیدثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۴۲۱)

البته برخی دیگر فائده حضانت را تربیت طفل دانسته‌اند. (طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۴)

در اصطلاح حقوقی نیز تربیت به معنای پرورش روحی و اخلاقی اطفال به‌کار رفته است. (صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۴۹)

یکی از صاحب‌نظران در حقوق مدنی آن‌را این‌گونه تعریف می‌نماید: «تربیت طفل عبارت است از آموختن آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و هم‌چنین کوشش در فراگرفتن علم یا صنعت یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی که بعداً بتواند به‌وسیله به‌دست آوردن عایدات کافی، زندگانی خود را به رفاه بگذارند». (امامی، سید حسین، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۹۰) این تعریف شامل تعلیم نیز می‌باشد. تربیت یعنی پرورش در، جهت رشد و کمال.

۷- موعظه

موعظ، یکی از روش‌های تعلیم و تربیت است که هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست. موعظه به معنای منعی است که همراه با بیم دادن است. همچنین به معنای یادآوری قلب به خوبی‌ها در چیزهایی است که باعث نرمی و رقت قلب می‌شود. قرآن مجید خود را موعظه معرفی کرده است: «یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ: ای مردم! به یقین از طرف پروردگارتان برای شما، پندی آمده است». (سوره یونس: ۵۷) قرآن از این روش نیز بارها بهره برده است.

چنانکه خداوند برای دعوت دیگران به راه خود، به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد که از شیوه تربیتی موعظه نیکو برای هدایت و تربیت مردم استفاده کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: با حکمت و موعظه‌ای نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نما». (سوره نحل: ۱۲۵) بنا بر این آیه شریفه، حکمت با موعظه تفاوت دارد، حکمت، تعلیم است؛ اما موعظه، تذکر و یادآوری است. واعظ مطالبی را که طرف مقابل می‌داند، یادآوری می‌کند. هدف از موعظه برای شنونده جاهل نیز توجیه احساسات اوست. در واقع واعظ با عقل و اندیشه مخاطب روبه‌رو نیست؛ بلکه با احساسات، عواطف و تذکرات و توجیهات ذهنی او مواجه است.

امام علی (علیه السلام) در نامه تربیتی خود به فرزندش چنین سفارش کرده است: «أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ؛ دلت را به موعظه زنده دار». (نهج البلاغه نامه ۳۱) بنا بر این سخن شریف، اهمیت، ارزش و سطح تأثیرگذار موعظه همچون نوری است که هنگام تابیدن بر نفس انسان، به آن نورانیت و روشنایی می‌بخشد؛ چنانکه در سخن دیگری می‌فرماید: «الْمَوَاعِظُ صِقَالُ النَّفْسِ وَجَلَاءُ الْقُلُوبِ؛ موعظه نفس انسان‌ها را صاف و دل آن‌ها را نورانی می‌کند» (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۲۴، ح ۴۵۲۴) علامه طباطبایی درباره فلسفه موعظه می‌نویسد: تذکر، یادآوردن معارف و صفات اخلاقی است که در فطرت انسان‌ها نهفته و به خاطر غفلت، دچار فراموشی شده که نتیجه تذکر و موعظه، بیداری از غفلت و فراموشی و پرورش استعدادهاى نهفته آدمی است. (طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن: چاپ پنجم قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق)

۸- الگودهی

مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است. بر این اساس یکی از روش‌های تربیت، تربیت به وسیله الگوست که می‌توان آن را «روش الگویی» نامید.

از شیوه‌های اجرایی این روش، می‌توان به الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی اشاره کرد. به دلیل نیاز فطری آدمی به الگو و همانندسازی در تربیت، لازم است الگوهای والا به درستی معرفی شوند تا انسان با بینشی روشن، مصداق کمال حقیقی را تشخیص دهد و به الگوگیری بپردازد؛ زیرا اگر چنین نشود، انسان نیاز خود به الگو را به دلیل اشتباه در مصادیق کمال در نمونه‌هایی نامناسب جستجو می‌کند و به بیراهه کشیده می‌شود.

امام علی (علیه السلام) نیز در این نامه به تأسی بر بزرگان و الگوگیری از آنها تأکید کرده و فرموده است: وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ وَالْإِقْتِسَارُ عَلَى مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَالْأَخْذُ بِمَا مَضَى عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ مِنْ آبَائِكَ وَالصَّالِحُونَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ؛ بدان ای فرزند که بهترین و محبوب‌ترین چیزی که از این اندرز فرا می‌گیری، ترس از خداست و اکتفا به آنچه بر تو واجب ساخته و گرفتن شیوه‌ای که پیشینیان، یعنی نیاکان و نیکان خاندانت، بدان کار کرده‌اند. (نهج البلاغه نامه ۳۱) هر اندازه الگوها از کمال بیشتری برخوردار باشند، دایره تأثیر آنها در الگوپذیر بیشتر است. بر این اساس امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مؤمنان را به پیروی از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سفارش کرده و فرموده است: أَنْظَرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالزَّمُوا سَمَتَهُمْ وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا، فَلَبِدُوا وَإِنْ نَهَضُوا، فَانْهَضُوا وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا: به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکت‌تان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید. (نهج البلاغه نامه ۳۱)

نتیجه گیری

از آنجا که تربیت فرزندان یک فرآیند پیچیده و حیاتی است که تأثیر عمیقی بر آینده فرد و جامعه دارد. والدین باید با صبر، حوصله و دانش کافی، نیازهای عاطفی، اجتماعی و شناختی فرزندان خود را برآورده کنند. این امر شامل ایجاد محیطی امن و حمایتی، آموزش ارزش‌های اخلاقی، تشویق به استقلال و خلاقیت، و برقراری ارتباط موثر با فرزندان می‌شود. در نهایت، تربیت صحیح فرزندان منجر به شکل‌گیری نسلی سالم، مسئولیت‌پذیر و موفق خواهد شد. هر موجودی را کمالی است که هدف خلقت او به تبع آن و هدف از تربیتش، رسیدن به آن است. بنابراین، هدف تعلیم و تربیت آدمی تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مقدر شده است. در اسلام مسأله «تربیت» از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است تا آنجا که می‌توان گفت اصولاً هدف اصلی ارسال کتب و ادیان آسمانی و بعثت انبیاء الهی نیز همین تربیت صحیح بشر بوده است. در واقع اهمیت تربیت کودک به معنای انسان‌سازی است. این امر خود به خود امری است بسیار مهم. پس اگر بخواهیم جامعه اسلامی و انسانی داشته باشیم باز هم بایستی نخست از «خود» آغاز کنیم. از منظر دیگر تربیت امری سرنوشت ساز و ضروری در حیات ملت هاست و پیشرفت یا عقب ماندگی های جوامع بشری و همچنین سقوط یا صعود ملت ها چیزی جز پیشرفت یا عقب ماندگی تربیت آنها نیست.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- ابن منظور، م. (۱۴۰۸ق-۱۹۸۸م). لسان العرب. انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- ۲- امامی، م. (۱۴۰۳). حقوق مدنی. انتشارات اسلامیة.
- ۳- امامی، ا. (۱۳۷۲). حقوق خانواده. انتشارات میزان.
- ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۱). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. انتشارات الجواد، ضریح آفتاب.
- ۵- ثانی، ز. (۱۴۱۳ق). مسلک الفہام. انتشارات موسسه المعارف الاسلامیہ.
- ۶- حلی، ح. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. انتشارات موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- ۷- حلی، ح. (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. انتشارات موسسه اسماعیلیان.
- ۸- حر عاملی، م. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعہ. انتشارات آل البيت.
- ۹- خوانساری، ا. (۱۳۵۵ش). جامع المدارک. انتشارات مکتبہ الصدوق.
- ۱۰- شریف الرضی، م. (۱۳۸۷). نهج البلاغه حضرت امیر امومنین (ع). انتشارات الہادی.
- ۱۱- صدوق، ج. (۱۳۶۳ش یا ۱۴۰۴ق). من لا یحضرہ الفقیہ. انتشارات جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- ۱۲- طوسی، م. (۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ش). تہذیب الاحکام. انتشارات دار التعارف للمطبوعات.
- ۱۳- طریحی، ف. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. انتشارات مرتضوی.
- ۱۴- طبرسی، ف. (۱۳۶۳). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات حوزہ علمیہ اسلامی.
- ۱۵- طبرسی، ح. (۱۳۶۵ق). مکارم الاخلاق. انتشارات فراهانی.
- ۱۶- طباطبائی، ع. (۱۴۱۲). ریاض المسائل. انتشارات دار الہادی.

- ۱۷- طباطبائی، م. (۱۳۹۳ق-۱۹۷۳م). المیزان فی تفسیر القرآن. انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۸- فخر راضی، م. (۱۴۲۰ق-۱۹۹۹م). تفسیر الکبیر. انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
- ۱۹- فیومی، ا. (۱۴۲۸ق-۲۰۰۷م). الصباح المبین. انتشارات المکتبه العصریه.
- ۲۰- کلینی، ا. (۱۳۶۳). الکافی. انتشارات حوزه علمیه اسلامی.
- ۲۱- گنابادی، م. (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ. انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۲- مولانا، م. (سده هفتم ه. ق و پس از آن). مثنوی معنوی. انتشارت گوناگون.
- ۲۳- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴ش و ۱۹۹۵م). تفسیر نمونه. انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۴- نجفی، م. (۱۳۶۲ش). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.